

ترکیه؛ اسطوره زدایی از مفهوم امنیت ملی

یومیت ایزر

برگردان: مریم السادات امیرشاه کرمی

«اهمیت ارتش ما رو به افزایش است، زیرا ارتشیان در تقابل با جمهوری، دموکراسی و سکولاریسم قرار دارند.»^(۱)

الحاق به اتحادیه اروپا، صورت گرفته است.^(۲) علاوه بر این وی تأکید کرد که مجامع سیاسی و عمومی، مفهوم امنیت ملی را مورد بحث و بررسی قرار دهند. با این حال به نظر می‌رسد دستورالعمل ییلماز حاکی از آن می‌بود که امنیت ملی به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به نقش نظامیان در امور غیرنظامی، مورد استفاده قرار گیرد، به خصوص آنکه ارگانهای نظامی و حامیانشان بر این امر تأکید داشتند که تقدم بخشیدن بر سکولاریسم

درآمد

مسعود ییلماز، نخست وزیر سابق ترکیه، رهبر حزب مام میهن و شریک ائتلاف دولتی سه حزب در فاصله سالهای ۲۰۰۲ - ۱۹۹۹، در ۴ اوت ۲۰۰۱ سخنانی ایراد کرد که باعث جدایی و انشقاق سیاسی گردید. در آن سخنرانی، ییلماز حول این موضوع بحث کرد که سیاستهای ترکیه، توسط «سندرم امنیت ملی» سرکوب شده‌اند و این مسئله صرفاً جهت دموکراتیزه کردن و همگرایی سیستم سیاسی ترکیه برای

* این مقاله ترجمه‌ی متن زیر است.

Ümit Cizre, "Demythologizing the National Security Concept: The Case of Turkey", *Middle East Journal*, volume 57, No. 2, Spring 2003.

غیرقابل انفکاک از رژیم، بیش از اصلاحات دموکراتیک اولویت دارد. از طرف دیگر، اتحادیه اروپا یک برنامه اصلاحات سیاسی طرح ریزی کرده است که طبق آن، ترکیه می‌بایست تا پایان سال ۲۰۰۳ شرایط لازم برای پیوستن به اتحادیه اروپا و شروع گفتگوها بدین منظور را احراز کرده باشد. اهمیت رو به فزونی مفهوم امنیت ملی، با اقدامات اساسی اتحادیه اروپا در جهت فرایند دموکراتیزاسیون در ترکیه، تناقض و تنش پیدا کرده است. سخنان مسعود ییلماز در خصوص مسائل نظامی، در حال کمرنگ شدن بود که یکی از فرماندهان نظامی که توسط ستاد کل ارتش معرفی شده بود، با انتشار سندی چهار صفحه‌ای ییلماز را به سختی مورد انتقاد قرار داد.^(۳) انتظار نمی‌رفت که سخنان ییلماز به طور اساسی و مؤثر، سیاستهایی را که از پیش طرح ریزی و تعیین شده بودند، دگرگون نماید. اهمیت این سخنرانی در آن است که در نوع خود، اولین نمونه می‌باشد.

مقاله حاضر، در پی تشریح مفهوم امنیت ملی ترکیه با اتکا به سخنرانی ۴ اوت مسعود ییلماز است که در سه بخش، این مسئله اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بخش نخست به کالبد شکافی سیاسی - میلیتاریستی ترکیه - به ویژه از زمان آخرین دخالت آشکار نظامیان در امور سیاسی در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ - می‌پردازد. راهکار و دستورالعمل مؤثر و اصلی که در این دوره فراروی امنیت ملی قرار می‌گیرد، حمایت

از «جمهوری» در مقابل جدایی طلبی اکراد و مسلمانان افراطی است و بر سه نکته محوری تکیه دارد: تجدید رابطه میان «امنیت ملی» و «دستگاه نظامی»، منطبق با تحولات داخلی و بین‌المللی دهه ۹۰، اهمیت کنترل نظامی و نظارت بر سیاست جمهوری از طریق مهم جلوه دادن تفاوت‌های میان سیاست و امنیت ملی، و سومین نکته اینکه تهدیدات امنیتی را چه کسانی تعریف می‌کنند و چه افرادی به آن پاسخ می‌دهند که این مسئله قویاً به توزیع قدرت برابر بین نظامیان و غیرنظامیان مرتبط می‌شود.

در بخش دوم، مسائل و چالشهایی که در دهه‌ی ۱۹۹۰ در خصوص شرایط سیاسی اتحادیه اروپا برای ورود ترکیه به این اتحادیه عنوان گردید، مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش پایانی نیز اهمیت ظهور قدرت حزب عدالت تحلیل و تشریح می‌گردد. اسلام سیاسی به عنوان انگیزه و مسبب قوی، سیاستهای امنیت گرایانه را از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۲ قویاً تحت تأثیر قرار داده است که در ساختار هژمونیک سکولار - نظامی ترکیه، امری شگفت‌انگیز است. به طور خلاصه بخش سوم، در پی بررسی و تحلیل دیدگاهها و نظرات موجود در خصوص فعالیت حزب عدالت و توسعه بین نوامبر ۲۰۰۲ تا فوریه ۲۰۰۳ است.

در مجموع نیز، نوشتار حاضر در پی تنویر این نکته است که چه انگیزه‌ای باعث شد مسعود ییلماز به طرح مبحث امنیت ملی و مرتبط ساختن آن با فرایند دموکراتیزاسیون و

ایجاد نهادهای مدنی پردازد.

۱- نیروهای ارتش ترکیه و مبحث امنیت ملی در دهه‌ی ۱۹۹۰

ریشه این بحث را باید در ظهور میلیتاریسم ترکی که مشخصاً به آخرین مداخله‌ی نظامیان در ۲۸ فوریه‌ی ۱۹۹۷ باز می‌گردد، جستجو کرد.

در جریان این مداخله‌جویی، شورای امنیت ملی نظامیان، یک ائتلاف دولتی تشکیل داد که هیجده نفر از آنها مخالف اسلام‌گرایی در ترکیه بودند و با فشارهای مکرر توانستند نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر و رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه، را که با تانسوچیلر، رهبر حزب راه راست، ائتلاف کرده بود، از کار برکنار نمایند.

افزایش نقش و حضور نظامیان ترکیه در مسائل این کشور، تنها به وسیله‌ی شناخت نقش فرهنگی - تاریخی ارتش این کشور به عنوان آخرین حامی جمهوری، درک نمی‌شود. مرجع شناخته شده به این منظور، نقش حفاظتی ارتش ترکیه، فرهنگ ارتش و جامعه‌ای است که در آن برای ارتشیان نقش مسلط سیاسی قائل می‌شوند.^(۴) بنیاد استقلال سیاسی ارتش ترکیه، دفاع این ارتش از ایدئولوژی رسمی کمالیسم است که به وسیله‌ی مصطفی کمال آتاتورک، بنیانگذاری جمهوری، به رسمیت درآمد. ایدئولوژی رسمی، مبتنی بر اصول غیرقابل تخطی جمهوری براساس سکولاریسم می‌باشد که براساس زندگی مدرن و به شیوه غربی تعریف می‌شود. در مقابل، اسطوره‌گرایی

و مقدس مابی در نقش حفاظتی ارتش، برای سیاست، نقش متعادل‌تری قائل است. در حال حاضر که استقلال داخلی و فعالیت سیاسی در ترکیه افزایش یافته است، ارتش این کشور با تعریف مجددی از امنیت ملی و ارتقاء آن از سطح تهدیدات خارجی به تهدیدات داخلی مواجه گردیده است.

ماهیت و منابع تهدیدات نسبت به امنیت داخلی به مثابه‌ی تهدید یکپارچگی و انسجام دولتی و اصول سکولاریسم که در بندهای ۲ و ۴ قانون اساسی تضمین شده است، می‌باشند.^(۵) در عین حال گفته شده است که به طور طبیعی فرهنگ مشترک و رایج ترکیه به وجود یک دولت متحد، منسجم و یکپارچه بستگی دارد.^(۶) در این بندها، سکولاریسم به معنی جدایی دین از سیاست تعریف^(۷) و به عنوان مهم‌ترین مسئله مرتبط با امنیت داخلی در نظر گرفته می‌شود.^(۸) روشن است که پس از جنگ سرد، مسئله کردها و رشد اسلام سیاسی، وظایف سنگینی را بر دوش سیاست امنیتی ترکیه نهاده است. استقلال سیستم امنیت عمومی در برابر سیاست عمومی، به صورت دراماتیک در حال خودنمایی است؛ به عنوان نمونه از سال ۱۹۹۷ که نظامیان به طور آشکار در ساختار دولتی مداخله‌جویی کردند آنها همواره در سطوح پایین و یا در سطوح بالا - از طریق ساختارهای قانونی - مداخله داشته‌اند. از آن زمان تاکنون، ارتش بسیاری از عرصه‌ها را از دست دولت سلب کرده و از طریق ارگانهای مختلف وابسته به خویش،

لوايح جدیدی صادر نموده است و روز به روز بر دولتمردان منتخب، نفوذ بیشتری پیدا می کند. آنچنان که گفته می شود، نگرانیهای امنیتی ترکیه در دهه ۹۰ تهدیدات بیرونی را نیز شامل می شود، از آن جمله تهدید از سوی کشورهای مانند سوریه، ایران، عراق، ارمنستان و تا حدودی روسیه را در بر می گیرد.^(۹) به منظور تضمین امنیت ملی در قبال این کشورها و مقاومت و بازدارندگی در برابر صدمات احتمالی از جانب آنها، ترکیه به هر اقدامی متوسل شده است.^(۱۰)

۲- امنیت ملی در برابر گرایشهای جهانی

ترکیه چه اقدامی جهت همگونی و یا انفکاک از گرایشهای جهانی در خصوص امنیت در روابط نظامیان با غیرنظامیان به انجام رسانده است؟ پایان جنگ سرد، دگرگونی اساسی ای در دستور کار امنیتی دولتها ایجاد کرد. در حالی که طی جنگ سرد، امنیت منحصرأ به عنوان یک واژه «سخت و در حوزه نظامی» تعریف می شد، هم اینک، امنیت به مثابه یک اصطلاح «نرم» شامل نگرانیهای دولتها در خصوص مسائلی مانند مشکلات سیاسی و اقتصادی، نوع رژیم، مناسبات مدنی، تروریسم، مناقشات فرقه ای میان فرقه های قومی - مذهبی، تکثیر سلاحهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی و بلایای طبیعی، می باشد. به نظر می رسد که ارتش ترکیه بیشتر تحولات نظام جهانی را دنبال می کند تا اینکه متوجه یک یا چند نگرانی مذکور باشد، هر چند پانزده سال در جنوب این کشور علیه حزب پ. ک. ک نبرد کرد. با این حال ارتش ترکیه به

به رغم پایان جنگ سرد، سیستم امنیت ملی همچنان توانمند و آماده است. ترکیب مشاهدات موجود از تهدیدات داخلی و خارجی، نشان می دهد که با وجود خاتمه دوران جنگ سرد، تدابیر امنیتی و حفظ امنیت داخلی همچنان در دستور کار نظامیان قرار دارد. احساسات ضد نظامی گرایی در ترکیه نیز غالباً محدود به یک گروه کوچک می شود که از طرفداران دیدگاههای رایج روشنفکری غرب و مباحثات حقوق بشری می باشند. عامل مهمی که باعث شده نظامی گری به عنوان تنها عامل تضمین کننده امنیت به حساب آید، کنار نهادن قوانین مذهبی و هرج و مرج سیاسی است. این مسئله درست است که گفته شده از دست دادن اعتقادات عمومی در نظامهای میلیتاریستی نقش مهمی در گرایش مردم به خصوص جوانان به سوی ارتش داشته است، هرچند به درستی مشخص نیست که چگونه این امر باعث

دنبال نوعی هم سویی با گرایشهای جهانی است، زیرا در عصر نوین، جنگهای فراملی جایگزین جنگهای درون کشوری - به عنوان یکی از منابع اصلی ناامنی - شده است. به اعتقاد «مری کالدور»، جنگهای جدید از سه نظر با جنگهای سنتی متفاوتند: این جنگها هویت سیاسی دارند، یعنی ادعای انحصاری بر قدرت براساس هویتهای معین شده به وسیله حافظه، تاریخ و مهاجرت.^(۱۱) دومین تفاوت به شیوه های جنگ باز می گردد، در جنگهای جدید سعی می شود از جنگ تمام عیار پرهیز شود. هرچند خشونت علیه نظامیان و استراتژی چریکی و جنگ شبه نظامی که خاص دوران جنگ سرد است، همچنان دیده می شود، اما هدف جنگ کاهش هراس و نفرت است.^(۱۲) و بالاخره جنگهای جدید، به لحاظ اقتصادی، تأثیرگذار هستند و می توانند موجب قحطی اقتصادی، از طریق چپاول و ایجاد بازار سیاه شوند.^(۱۳) گذشته از همه این مسائل، ترکیه با مسائلی مانند اسلام گرایان و کردها مواجه است و چگونگی برخورد با آنها تا حدودی این کشور را از گرایشهای نظام جهانی جدا کرده است. چالشی که دولتمردان ترک با آن مواجه هستند، چگونگی ایجاد رابطه میان نگرانیهای امنیتی و نگرانیهای سیاسی است. در این مورد نظامیان نقش تعیین کننده تری دارند، زیرا قدرت اعمال اقتدارشان از سوی پارلمان تحت کنترل و نظارت در نیامده است. زمانی، رئیس ستاد ارتش ترکیه در پاسخ به معاون نخست وزیر وقت که مفهوم امنیت ملی را بسیار انحصاری دانسته بود گفت: «امنیت ملی مفهومی است که تهدید / مشاهده خطر و پارامترهای نظامی، اقتصادی و سیاسی را در برمی گیرد».^(۱۴)

مسئله کردهای ترکیه با عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی منطقه جنوب این کشور گره خورده است. با این حال برخلاف گرایشهای جهانی، ارتش ترکیه همچنان به منظور تأمین امنیت در آنجا حضور گسترده ای دارد و این امر به اتکای تئوری عدم توازن منطقه ای است که به فرماندهان ستاد ارتش ترکیه اجازه می دهد مسئله کردها را از مسئله دموکراتیک بودن این کشور جدا کنند، در حالی که این قضیه به طور مستقیم با عدم توسعه یافتگی سیاسی - اقتصادی ترکیه رابطه دارد. با این وجود اختلاف عمده بر سر شیوه های جنگ میان غرب و ترکیه از بین رفته است و این به خاطر شناخت دکترین نظامی - امنیتی غرب است که طبق آن امنیت ملی، صرفاً به ملاحظات نظامی منحصر نمی شود.^(۱۵) کشورهایمانند ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا ضمن آنکه با جنبشهای جدایی طلب که از شیوه های تروریستی بهره می جویند، مبارزه می کنند، به گونه ای به مدیریت تهدیدات داخلی می پردازند که هرگونه شکنجه و یا قتل در آن منع شده است.^(۱۶) دردموکراسیهای غربی بهترین تضمین برای جلوگیری از سلطه نظامی بر مباحث امنیت ملی، تفکیک نقشهای سیاسی و نظامی از یکدیگر است. به این ترتیب ضمن پاسخ به هرگونه تهدید داخلی، نقش ارتش در

دفاع خارجی محدود می‌شود و عملیتهای سرّی اطلاعاتی، تحت پوشش فعالیتهای غیرنظامی، صورت می‌گیرد. اما در ترکیه نظارت و مدیریت بر تروریسم - گروههای کرد - به کارکرد طبیعی ارتش مبدل شده است.

در رژیم امنیتی بعد از جنگ سرد، ترکیه با پیچیدگیهای نظامی مواجه شده است به نحوی که سیستم اطلاعات و ضداطلاعات این کشور، از طریق گسترش شبکه‌های خبری، جاسوسی می‌کند و در عین حال کارکردهای سیاسی و غیرنظامی خاص خود را هم دنبال می‌کند.^(۱۷)

ایجاد یک گروه مطالعاتی غربی (BCG) در همین راستا صورت گرفته است. این گروه مشتمل بر افسرانی است که مأموریت جمع‌آوری اطلاعات درباره نگرشهای سیاسی نهادها و شخصیت‌های دولتی را عهده‌دار شده است. آنگاه شورای نظارت وزیران (MGK) تأسیس شد و گروه مطالعاتی موظف گردید نسبت به اقداماتی که انجام می‌دهد به نخست‌وزیر و پلیس اطلاعاتی وزارت کشور پاسخگو باشد.^(۱۸) در چنین

شرایطی بود که رئیس ستاد ارتش، BCG را به عنوان شاخه اطلاعاتی ارتش، جهت رویارویی با فعالان اسلام‌گرا، تأسیس نمود.^(۱۹) این درحالی بود که نه MGK و نه نخست‌وزیر درخصوص تأسیس ارگان مزبور که مغایر با قانون نیز بود، نمی‌توانستند کاری انجام دهند.^(۲۰)

۳- امنیت، سیاست عمومی و حیات عمومی

از سخت‌ترین اقدامات بعد از جنگ سرد، درک

مفهوم امنیت در آمریکای لاتین، ترکیه و دیگر کشورهای مشابه است که با سیاست عمومی مترادف در نظر گرفته می‌شود. از این منظر ارتش اجازه می‌یابد که آزادانه سیاست‌سازی کند و این از طریق نفوذ مفهوم امنیت ملی در قوانین مربوط به امنیت داخلی، ضد تروریسم، حفظ نظم عمومی، فعالیتهای سیاسی - جنایی و بسط قوانین نظامی بر غیرنظامیان، عملی می‌شود. در این صورت به ارتش ترکیه این امکان داده می‌شود که حوزه وسیعی را تحت اقدامات سیاست‌سازی، و نیز اجرای قانون در آورد.

اولین چشم‌انداز حضور ارتش در عرصه سیاست‌سازی را می‌توان در زمان اصلاحات قانون اساسی در ۳ اکتبر ۲۰۰۰ مشاهده نمود که پیامد آن، اصلاحات حقوقی در سال ۲۰۰۲ در پارلمان و در نتیجه رفع پاره‌ای از موانع برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بود. این اصلاحات عموماً به حوزه‌هایی مانند آزادی بیان، پخش برنامه‌های کردی و دیگر حقوق اساسی مربوط می‌شد.

با وجود این نباید از نظر دور داشت که ارتش ترکیه با دموکراسی به شیوه‌ای که خودمختاری ارتش را از بین ببرد، موافق نخواهد بود. اتحادیه اروپا تاکنون بسیار گوشزد نموده است که فعالیتهای MGK و BCG باید در راستای عمل به اصول دموکراتیک باشد. صراحتاً، یکی از دلایل اصلی افزایش تنش میان ترکیه و اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۹۰، نقض حقوق بشر بوده است که غالباً از سوی نیروهای

امنیتی ترک در مناطق کردنشین دیده شده است. به همین جهت بود که در جریان برگزاری جلسات دادگاه اوچالان، اتحادیه اروپا از ترکیه خواست تا به جای یک قاضی نظامی از یک قاضی غیرنظامی استفاده کند و هرچه بیشتر خود را با معیارهای این اتحادیه هم سو نماید.

۴- مسئله مهم: چه کسی در قبال نوع تهدید و پاسخ به آن تصمیم می گیرد؟

یکی از نگرانیهای عمده اتحادیه اروپا، بند ۳۱۲ قانون جنایی ترکیه است. از این بند به عنوان ابزاری جهت مقابله با خشونت‌های قومی استفاده می شود و با توسل به آن تاکنون عده بسیاری از نویسندگان، ناشران، روشنفکران و فعالان حقوق بشر محاکمه و زندانی گشته اند.^(۳۱) وجود این بند در قوانین جزایی ترکیه حاکی از ترس دولتمردان این کشور در از دست دادن آزادیهای سیاسی شان است.

مسعود ییلماز در سخنان خود هشدار داد که مفهوم امنیت ملی ترکیه به نگرانی عمیقی تبدیل شده است که بیشتر ناشی از فهم تنگ نظرانه از دموکراسی و آزادی بیان است. هم ییلماز و هم اتحادیه اروپا نسبت به بند مزبور از قوانین جنایی ترکیه معترض می باشند. به اعتقاد ییلماز، اگر ترکیه خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا و یا شروع مذاکره برای عضویت است، باید یک گام فوری در این راه برداشته و موانع موجود در مقابل آزادی فکر و بیان را مرتفع سازد.^(۳۲) به باور یک روزنامه نگار معتبر ترک، بند ۳۱۲ حاکی از خاطره تاریخی ای است که در ذهنیت دولتمردان ترک باقی مانده است و آن عبارت است از اینکه اصلاح بند ۳۱۲ به

مثابه ورود ارزشهای غربی و یا وضعیت پیش از سال ۱۹۸۰ می باشد، همان چیزی که آنها را به واهمه انداخته است.^(۳۳)

مفهوم امنیت ملی در ترکیه - که پیش تر با عنوان امنیت دفاعی - نظامی از آن یاد شد مشتمل بر اسناد سیاسی امنیت ملی است. این اسناد به وسیله رئیس MGK آماده و بدون هیچ دخالتی از جانب پارلمان، تصویب و به مثابه دستورالعمل سیاسی دولت لحاظ می شود. تنظیم و روشمند ساختن مفهوم امنیت و انتشار اسناد امنیتی مرتبط با سیاستهای امنیتی، منحصرأ در اختیار ریاست MGK است که وی با رئیس ستاد ارتش نیز همکاری دارد. به این ترتیب MGK از قدرت فراوانی برخوردار گردیده که به واسطه آن نه تنها در دفاع از خاک، منافع اقتصادی و سیاسی ترکیه دخیل است بلکه حافظ کمالیسم - میراث آتاتورک - هم می باشد.^(۳۴) MGK نهادی است که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد و عمده دلیل پیدایش آن نگرشهای لیبرالیستی نسبت به قانون اساسی ترکیه به ویژه بعد از کودتای ۱۹۶۱ می باشد، در این نهاد تعداد اعضای غیرنظامی از فرماندهان ارشد بیشتر است. با پاره ای از اصلاحات قانونی در سال ۱۹۷۳ و به موجب یادداشت تفاهمی، وظایف اولیه MGK به حوزه هایی مانند سیاست سازی نیز گسترش یافت. سرانجام بنابر بند ۱۱۸ قانون اساسی، بعد از کودتای سال ۱۹۸۲،

MGK در حدیکی از صاحب نظران تصمیم گیری در امور حکومتی و به عنوان شورای نظارت بر وزیران تأسیس و تضمین سیاست امنیت ملی را برعهده گرفت. در واقع، ارتش از MGK به عنوان تریبونی برای پیشبرد دستور کار سیاسی خود بهره می برد. شورای وزیران می بایست هرگونه تقدم در تصمیم گیری را به خواست MGK منوط سازد.^(۲۵)

هم زمان، بیلماز در خصوص حل اختلاف میان فرهنگ آمرانه و مخفی کارانه نظامیان با فرهنگ شفاف دموکراتیک، بالحنی منتقدانه به سخنرانی پرداخت که با واکنش نظامیان مواجه شد و مطرح گردید که موضوعات مربوط به امنیت ملی و مفهوم امنیت ملی باید از جانب تریبونهایی دنبال شود که عاری از منافع سیاسی روزمره تصمیم می گیرند.^(۲۹)

این واقعیتی است که سیاستهای امنیت ملی از کنترل، نظارت و شناخت عمومی حتی در سطح حکومتهای لیبرال دموکرات خارج است اما در ترکیه به دلیل حاکمیت دیدگاههای نظامی، ارتش همچنان بر مباحث امنیت ملی نظارت دارد. به عبارت دیگر فقدان شفافیت در طرح ایده ها و آراء در نظام سیاسی ترکیه، باعث شده است که نظامیان، طرف اصلی تعیین کننده ی قوانین حاکم باشند.

در MGK، ترکیب اعضا به گونه ای است که غیرنظامیان محتاط تر از نظامیان عمل می کنند، در حالی که جناح نظامیان ماهیانه جلساتی برگزار می کنند و برای رسیدن به یک تصمیم مشترک با هم ملاقات می کنند.^(۳۰) چنین

به دنبال اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی (اکتبر ۲۰۰۱) تعداد غیرنظامیان در MGK افزایش یافت، اما قدرت تصمیم گیری آنها همچنان در حد یک توصیه ساده باقی ماند. در عمل آنچه که تغییر پیدا نکرد، عدم توازن موجود میان جناحهای نظامی و غیرنظامی به لحاظ کارکردی بود. قطعنامه های MGK که به دولت ابلاغ می شوند نوعی مسئولیت برای حکومت به همراه می آورد. این نکته از سخن دبیر کل مقتدر MGK، ژنرال اشپاروک، استنباط می شود که اخیراً گفته است: «کارکرد MGK برای تضمین سیاست امنیت ملی و رسیدن به اهداف ملی است».^(۲۶) زمانی در یادار گون ارکایا گفته بود: «دولت برای عمل به توصیه های MGK آزاد است، مسئولیت برگردن حکومت است و اگر نخست وزیر و حکومت این توصیه ها را جدی نگیرند، باید پاسخگوی مردم باشند».^(۲۷)

آخرین سند «سیاست امنیت ملی» در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷، بایک دگرگونی اساسی در پاره ای از مطالب منتشر شد. در حالی که سند پیشین (۱۸ نوامبر ۱۹۹۲) تروریسم کردی را مهم ترین

اتحادیه اروپا جامه عمل بپوشاند. در کل، به منظور کاهش نقش MGK و ارتش ترکیه در امنیت داخلی باید از وظیفه نظارتی آنها کاسته شود،^(۳۲) به عنوان مثال، تقاضا برای اجازه پخش برنامه‌های کردی با همین مسئله مواجه است. سرلشکر هالیل سیمسک، فرمانده آکادمی

نظامی، در این باره چنین گفته است: «هدف از چنین کارهایی تضعیف کشور به نام حقوق فرهنگی است، انتشار برنامه به زبان مادری و حقوق آموزشی، به نوعی ضد امنیت ملی محسوب می‌شود».^(۳۳) اخیراً رئیس ستاد ارتش، فرماندهان و دبیر کل MGK، تئوری خود را آشکارا مطرح کرده‌اند و عنوان داشته‌اند جهت چنین وجه‌المصالحه‌ای هزینه گزافی باید پرداخت شود، زیرا این گروه‌ها ترکیه را از اتخاذ هر نوع تصمیم و در نتیجه استقلال داخلی محروم می‌کنند و غالباً تعصبی بیجا را به ترکیه نسبت می‌دهند.^(۳۴)

به اعتقاد نظامیان، آزادی بیان در شرایطی باید محقق شود که باعث تصعید ادعاهای کردها نشده و احیای اسلام سیاسی را نیز به دنبال نیاورد. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نوعی تعصب محافظه‌کارانه در مواضع رئیس ستاد ارتش در خصوص عملی کردن خواسته‌های کپنهاگ پدیدار گردید. ژنرال تانجرکیلینک اخیراً خطاب به صاحب‌نظران دانشکده آنکارا گفته است: «اتحادیه اروپا هرگز ترکیه را نخواهد پذیرفت. بنابراین ترکیه، نیاز به متحدان جدید دارد و اگر این کشور به دنبال متحدان

فرآیندی در تصمیم‌گیری، موجب می‌شود دیگر گروه‌های ائتلافی سیاسی متحمل ضررهایی شوند.

۵- اتحادیه اروپا و مأموریت امنیتی ارتش ترکیه

دخالت ارتش در سیاست عمومی، از عوامل مهم منفی است که باعث عدم پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، تاکنون، گشته است. بعد از اجلاس هلسنیکی که در دسامبر ۱۹۹۹ برگزار شد و طی آن ترکیه شرایط نامزدی برای عضویت در اتحادیه اروپا را به دست آورد، از این کشور خواسته شد پیش‌نیازهای ورود به اتحادیه را که به وسیله شورای اروپایی کپنهاگ در ژوئن ۱۹۹۳ ترسیم شده بود به اجرا رساند. این پیش‌نیازها مشتمل بر تضمین ثبات نهادها، آزادی بیان کامل، رعایت حقوق بشر، حمایت و احترام به اقلیتها و بازار آزاد اقتصادی بود. در سند همکاری میان اتحادیه اروپا و ترکیه نیز روح کپنهاگ منعکس گردیده است، ضمن آنکه در این سند مسائلی چون آزادی بیان و همکاری برای رفع هر گونه ابهام در بندهای قانونی مرتبط با استفاده از زبان مادری و پخش برنامه‌های رادیو-تلویزیون به زبان مادری، لغو شکنجه و بازداشت خودسرانه و یافتن راه حل جهت حل قضیه قبرس نیز در آنجا گنجانده شده است.^(۳۵)

تازمانی که دولت ترکیه تحت فشار ارتش قرار دارد، نمی‌تواند به طور کامل به تقاضاهای

جدیدی چون ایران و روسیه باشد، به نفعش است».^(۳۵)

وقتی اصلاحات بند ۳۱۲ از قانون جنایی و بند ۱۴ از قانون اساسی در خصوص ممنوعیت جنایات در دستور جلسه دولت قرار گرفت، ژنرال حسین کیوریک اوغلو، رئیس سابق ستاد ارتش، اظهار داشت که قوانین اساسی تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه از جمله آلمان، فرانسه، ایتالیا، یونان، سوئیس و اسپانیا قیود و شروط مشابهی دارند.^(۳۶)

در اجلاس کپنهاگ در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۲، رهبران اتحادیه اروپا برای تعیین تاریخ شروع مذاکرات با ترکیه به توافق رسیدند تا در دسامبر ۲۰۰۴، این مذاکرات جهت اکتساب توافقی برای پیوستن به اتحادیه صورت پذیرد و زمان دیگری را مناسب ندانستند. با این وجود، عبدا... گول، نخست وزیر وقت، عزم دولتش را برای ادامه اصلاحات تکرار کرد، نه صرفاً به خاطر پیوستن به اتحادیه اروپا بلکه به خاطر منافع کشور که این اصلاحات را ضروری می‌نماید. در حقیقت دولت جدید برای قبول پاره‌ای اصلاحات حقوق بشری و دموکراتیک، ملزم گردیده و می‌کوشد ملاکهای مورد نظر کپنهاگ را بپذیرد.

۶- امنیت ملی در دوره حزب عدالت و توسعه: سه ماهه اول

پیروزی حزب عدالت و توسعه در نوامبر سال ۲۰۰۲ با ۳۴/۲ درصد از کل آراء و کسب ۳۶۳ کرسی از ۵۵۰ کرسی در مجمع عمومی، به این حزب قدرت قاطعی برای هدایت امور کشور و تشکیل اولین دولت غیرائتلافی در ۱۵ سال اخیر دارد.

پیروزی صریح این حزب، این سؤال اساسی را به وجود آورد که آیا می‌توان در توازن موجود میان قوانین نظامیان و غیرنظامیان تغییر ایجاد کرد؛ توازنی که به وسیله پارادایم الگوی امنیت ملی پشتیبانی می‌شود و یا اینکه جنبش پیاده نظام^(۳۸) ارتش ترکیه به عنوان حافظ سنت سیاسی سکولار، رأساً وارد عمل شده و از دیگر عناصر ارکان سکولار، دادستانهای عمومی، وزارت خارجه، حزب اپوزیسیون پارلمان، حزب

عبدا... گول در مجمع پارلمانی اروپا در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۳ در استراسبورگ گفت: «در بسیاری از نقاط جهان، برای برخورداری از امنیت هر چه بیشتر، پاره‌ای از آزادیها را محدود می‌کنند، در حالی که در ترکیه این روند معکوس است».^(۳۷)

خلق جمهوری و رئیس جمهوری حمایت می‌نماید و در این صورت حزب عدالت و توسعه خود را کنار خواهد کشید.^(۳۹)

این تفکر به صورت گسترده وجود دارد که ظهور حزب عدالت و توسعه در عرصه قدرت حاصل فروپاشی ساختاری روابط حاکم بر قدرت در ترکیه است. به بیان دیگر، نتایج انتخابات بخش عمده‌ای از پتانسیل سیاسی موجود در ترکیه را آشکار ساخت. اگر این ایده درست باشد، حزب این فرصت را خواهد یافت در فرایند اصلاحات و در شرایط پیچیده ناشی از رکود اقتصادی فوریه سال ۲۰۰۱، به پیشرفتهایی نائل آید. برای حزب دشوار است که بخشهای نظامی را در فرایند دموکراتیزاسیون وارد نماید و البته این به معنای انکار موازنه قوا بین مراکز نظامی و غیرنظامی نیست.

به طور کلی استراتژی تدوین شده توسط حزب در طول سه ماهه اول حکومتش، مهر تأییدی بر سخنان رئیس ستاد ارتش بود که تأکید کرده بود اگر اسلام سیاسی کنترل نشود، به قدرت رسیده و تهدیدات اساسی برای رژیم خواهد بود. از این جهت، ارتش، استراتژی قدرتمندی در قبال تهدید اسلام‌گرایان پیش گرفته که هدف آن محدود نمودن قدرت مانور حزب تا حد تخریب اعتبار اردوغان، رهبر حزب، است. رجب طیب اردوغان به عنوان رهبر حزب مدت‌زمانی از احراز مناصب حکومتی محروم گردید و عبدا... گول به عنوان نخست وزیر ترکیه عهده‌دار این سمت شد. با

رفع محدودیتهای موجود از اردوغان، وی توانست این سمت را احراز کند و گول به عنوان وزیر خارجه در دولت او به ادامه وظیفه مشغول شد.^(۴۰) این امر در شرایطی صورت گرفت که احمد نجات سزر به عنوان یک سکولار دوآتشه، پاره‌ای از لویجی را که توسط حزب ارائه شده بود رد نمود، با این حال این امر مانع از نخست وزیری اردوغان نگردید.^(۴۱) بعد از روی کار آمدن عبدا... گول به عنوان نخست وزیر، مهم‌ترین خطاری که متوجه دولت او گردید، صدور حکم اخراج هفت تن از افسران اسلام‌گرا بود که دولت وی به دلیل عدم وجود دادگاه استیناف و فرجام‌خواهی، به مراجع بالاتر شکایت کرد. در پاسخ به این اقدام گول، ژنرال هیلمی اوزکوک، دولت جدید را به فعالیتهای ضد سکولاریستی متهم کرد^(۴۲) و به عنوان بخشی از استراتژی ارتش جهت تخریب دولت و حزب عدالت، سلسله مراتب نظامیان از انجام هر نوع حمایت از دولت به منظور تصویب قانون پارلمانی استقرار نیروهای جنگی آمریکا برای استفاده از خاک ترکیه جهت اقدام نظامی علیه عراق خودداری نمودند.^(۴۳) عموم مردم احساس می‌کردند که رهبری حزب عدالت و توسعه نمی‌تواند به صورتی سریع، مؤثر و بالفعل، سیاستی در این خصوص اتخاذ کند و با استفاده و یا عدم استفاده نیروهای آمریکایی از خاک ترکیه چگونه برخورد نماید. از این رو ارتش ترکیه می‌بایست منتظر تصمیم مقامات غیرنظامی دولتی می‌ماند و رئیس

ناظر غیرفعال، در مسائل حساس و موارد مربوط به امنیت ملی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، ظاهر شود. رهبر حزب عدالت، برخلاف اسلافش که از ایدئولوژی جزم‌اندیشانه پیروی می‌کردند، طرفدار منطق گفتگو است که کاملاً سنجیده و در راستای کارکردهای سیستمی صورت می‌پذیرد.

در حقیقت، گفتگو اصل حاکم بر روابط نظامی - غیرنظامی طی سه ماهه نخست حاکمیت حزب عدالت و توسعه بود و بر همین اساس، حداقل تا قبل از آغاز جنگ عراق، هدف دولت ترکیه تغییر مراجع سیاستگذاری از بوروکراسی نظامی به دولت غیرنظامی بود. به تدریج این باور استحکام یافت که هدف حزب عدالت و توسعه، هدایت ارتش به خارج از حیطه‌ی سیاست داخلی است.

رجب طیب اردوغان، رهبر حزب، به طور قاطع اعلام کرد که ارتش ترکیه زمانی که مقامات سیاسی از قدرت چندانی برخوردار نبودند، توانست جای خالی آنها را پر کند، اما در حال حاضر حزب و دولت در ترکیه از قدرت برخوردارند.^(۴۷) چنین نظراتی باعث می‌شود که نظامیان، به منظور تضعیف هر چه بیشتر غیرنظامیان وارد عمل شده و عرصه امنیت و سیاست را بیش از پیش در سیطره بگیرند. اردوغان در ادامه سخنانش متذکر شد که توازن قوا در یک دموکراسی سالم ضروری است. غیرنظامیان در سیاست تفوق دارند و ارتش یکی از نهادهایی است که تحت فرمانبرداری

ستاد ارتش تنها بعد از اتخاذ تصمیم سیاسی توسط دولت می‌توانست به درخواستهای آمریکا پاسخ دهد.^(۴۴)

وقتی که نخست‌وزیر به وسیله رئیس ستاد ارتش به ضعف و عدم استواری در بحران عراق متهم گردید، به آرامی پاسخ داد: «سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق با توافق با MGK اتخاذ خواهد گردید». سرانجام در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۳، با فشارهای ایالات متحده بر MGK، به دولت توصیه شد که به نیروهای آمریکایی اجازه دهد تا چند پایگاه و بندر ترکیه را برای جنگ تجهیز کند. این در حالی بود که پیش از آن در ۱ مارس ۲۰۰۳ پارلمان ترکیه، استقرار نیروهای زمینی آمریکا در خاک ترکیه را رد کرده بود.^(۴۵) با این وجود به محض آغاز جنگ در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، ترکیه کریدور هوایی خود را در اختیار هواپیماهای آمریکایی قرار داد که البته آمریکا نتوانست جبهه شمالی را بگشاید و مدت زمان جنگ را کوتاه و احتمال صدمات را کاهش دهد.

۷- حزب عدالت و توسعه رودرو با دستگاه نظامی: اصلاح‌طلبی و جهان‌گرایی

در نخستین نگاه، می‌توان اذعان نمود که حزب عدالت و توسعه در آینده، تا حدودی توان احاطه، نفوذ و دست‌اندازی بر سیاست خارجی، وزارت دفاع و وزارت خارجه را خواهد داشت.^(۴۶) به این ترتیب، غیرواقعی به نظر می‌رسد که رهبری حزب عدالت تا حد یک

آن‌هاست.^(۴۸) با جمع‌بندی اظهارات مختلف مقامات حزب عدالت و توسعه و اهداف و اقداماتشان طی سه ماهه اول حکومت آنها، روشن می‌شود که اینان بر این باورند که قدرت و امتیازات غیرمحققانه ارتش، سبب برتری آنها گشته است. از نظر دولت جدید، پذیرش جهان‌گرایی در سیستم بین‌الملل و اصلاحات در عرصه داخلی موجب قدرتمندتر شدن حکومت می‌گردد.

حزب عدالت و توسعه بر آن است تا با کنار نهادن ایدئولوژی تهاجمی و الگوهای قدیمی‌اش، به همگرایی مطلوب با اتحادیه اروپا دست یافته و گفتگو برای حل قضیه قبرس بر اساس طرح دبیرکل سازمان ملل را به انجام رساند. این حزب امیدوار است با کاهش نقش ارتش در سیستم سیاسی، دموکراسی مورد نظر اتحادیه اروپا در ترکیه احیا شود. همچنین از نظر دولتمردان ترک حل مسئله قبرس به منزله‌ی گامی دیگر برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. نخست وزیر امیدوار است با ورود به اتحادیه اروپا، طرفداران محافظه‌کارش را که به آزادیهای شخصی احترام می‌گذارند افزایش دهد.^(۴۹)

عبدا... گول در جلسه‌ی پرسش و پاسخ خود که بعد از سخنرانی‌اش در مجمع شورای اروپایی در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۳ برگزار شد، در پاسخ به سوآلی که صراحتاً اهداف دولت‌ش را در خصوص امتیازات ویژه ارتش پرسیده بود، گفت: «ما اصلاح طلب هستیم، پس هدف ما،

افزایش سطح دموکراسی در ترکیه است، به طوری که با استانداردهای شورای اروپا هم‌خوانی داشته باشد، بنابراین ما قانون اساسی را اصلاح و دگرگون نمودیم.^(۵۰) البته این فرایندی است که من فکر می‌کنم تداوم داشته باشد.»^(۵۱) در مجموع می‌توان گفت دولت جدید بر این باور است که بتواند تهدیداتی که متوجه ارگان‌سیسم سکولاریسم گردیده را به حداقل برساند. موفقیت دولت اردوغان در تغییر مراجع سیاست عمومی، بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی و توانایی برای رفع موانع موجود جهت تسهیل ورود هر چه سریع‌تر ترکیه به اتحادیه اروپایی است.

فرجام

عدم توازن میان مناسبات نظامی - غیرنظامی در ترکیه نشان می‌دهد، این مسئله همچنان به مثابه یک بحران باقی خواهد ماند که چه کسی تهدیدات امنیتی را پاسخ می‌دهد، مخاطرات را شناسایی کرده، و واکنش مقتضی نسبت به آنها را بروز می‌دهد. به نظر می‌رسد در حال حاضر امنیت مهم‌ترین مسئله در زمینه ثبات سیاسی ترکیه است که توسط عواملی چون مذهب و گروه‌های ناسیونالیست به چالش کشیده شده است. این دیدگاه با پیروزی حزب عدالت و توسعه قدرت بیشتری می‌گیرد. مسائل امنیتی مجموعه‌ای از مسائل گوناگون را به دنبال می‌آورد که در عرصه‌هایی چون قدرت، تابعیت، شیوه‌های یکپارچگی، روابط دولت -

- Politics", **Adelphi Paper**, No . 337, (London: The International Institute for Strategic Studies, 2001), pp. 9 - 20.
- 5- **White Paper - Defense 1998**, (Ankara: Ministry of National Defense, 1998), P.14.
- 6- **Ibid.**
- 7- **Ibid.**
- 8- **Ibid.**
- 9- Alfred Stepan, **Rethinking Military Politics**, (Princeton, N.J: Princeton University Press, 1988), P. 53.
- 10- **Ibid.**, P. 13.
- 11- Mary Kaldor, **New and Old Wars**, (Stanford, California: Stanford University Press, 1999).
- 12- **Ibid.**, pp. 7 - 8.
- 13- **Ibid.**, PP. 9 - 10.
- 14- **Radikal**, August 9, 2001.
- 15- J. Samuel Finch, **The Armed Forces and Democracy in latin America**, (Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press, 1998), P. 132.
- 16- **Ibid.**, P. 122.
- 17- **Ibid.**, P. 123.
- 18- Murat Gürgen, "BTG: Irtica Bitmedi" [Religious Reactionism Is Not over], **Radikal**, March 31, 2001.
- 19- Güven, Erkaya, Taner Baytok, **Bir Asker Bir Diplomat** [One Officer One Diplomat], (Istanbul: Dogan Kitapcilik, 2001), PP: 249- 250.
- 20- "Meral Aksener 28 subat ve BCG yi Anlatiyor" in **28 subat Belgeler**, (No authorship: Pinar Yayinlari, 2000), p. 497.
- 21- Erkay a, **Bir Asker Bir Diplomat**, p, 281.
- 22- TV interview with Mesut Yilmaz, on NTV, August 9, 2001.
- 23- Isnet Berkan, "312 and mesut Yilmaz", **Radikal**, Agust 13, 2001.
- 24- Jenkins, "Context and circumstance", P. 46.

ملت، دموکراسی و حکومت نمود پیدا می کند. در باور غرب، نظامی گری هر چند ماهیتاً موظف به دفاع در برابر تهدیدات است، اما باید توجه داشت که نظامیان تصمیم گیرندگان نهایی نیستند، بلکه این شهروندان هستند که در نهایت تعیین می کنند چگونه به تهدیدات پاسخ داده شود. به عبارت دیگر شهروندان از حق قضاوت برخوردارند. در مقابل این تفکر، در اندیشه ترکی تفاوتی محسوس به چشم می خورد.^(۵۲)

مسعود ییلماز کوشیده است این تفاوتها را هر چه بیشتر کم کند و به شهروندان حق انتخاب درباره ی مسائل امنیت ملی کشور خویش را واگذار نماید تا از این طریق بتواند راه ورود ترکیه به اتحادیه اروپایی را هموارتر سازد. امنیت ملی، مسئله ای نیست که تنها در حیطه ی اختیار نظامیان باشد، در رژیمهای دموکراتیک حفظ امنیت ملی وظیفه سیاستمداران است.^(۵۳)

پانوشتها

- 1- General Stskt's Statement Reported in the press, Siyasette mesa'au [Messages in Politics], **milliyet**, Jan, 10, 1999.
- 2- Ulusal Guvenlik Tartisilmali [National Security should Be Debated], **Radikal**, August, 5, 2001.
- 3- **Hurriyet**, August 8, 2001.
- 4- See Gareth Jenkins, "Context and Circumstance: The Turkish Military and

- 40- "Turkey's Landmark Election- Erdogan's prospects", **Strategic Comments**, Vol. 29, No. 9, 2002.
- 41- "Sezerle AKP Sessiz Savasta" [sezer and the AKP in silent war"], **Radikal**, January 31, 2003.
- 42- Murat Gurgun, "Asker serhe kizgin" [the Tsk is Angry with the Rservations] **Radikal**, Jan. 9, 2003.
- ۴۳- در مورد مذکور، میان اعضا و احزاب مختلف پارلمان ترکیه اختلاف نظر وجود داشت. احزاب مخالف خارج پارلمان، میانه روها و روشنفکران در ردیف مهم ترین مخالفان قرار دارند.
- 44- Lale Sariibrahimoglu, "General Hilmi Ozkok, the Chief of the General Staff", **Jane's Defense Weekly**, Febrahay 22, 2003, p.32.
- 45- "Basbakan: Kararsiz Degiliz" [The Prime Minister: We are Not Indecisive], **Radikal**, January 12, 2003.
- 46- "Turkey's Landmark Election - Erdogan's Prospects", **Strategic Comments**, 2002.
- 47- "Siyase tteki Boslugu Bazen ordu Doldurdn", [The Vacuum in Politics is sometimes Filled by the Military], **Hurriyet**, January 25, 2003.
- 48- Sigase Heki Boslugu Bazen ordu, January 25, 2003.
- 49- Soner Cagaptay, "The November 2002 Elections and Turkey's New Political Era", **Meria**, Vol. 6, No. 4, (December 2002), online edition: //meria.idc. ac. il/journal/2002/issue4/JV6n 4a6. html.
- ۵۰ و ۵۱- سخنرانی عبدا... گول در مجمع شورای اروپایی در استراسبورگ ۲۷ ژانویه ۲۰۰۳ به نقل از Press Minutes.
- 52- Peter Feaver, "The Civil- Military Problematique: Huntington, Janowitz and the Question of civilian control", **Armed Forces and Society**, Vol. 23, No. 2, (1996), p. 154.
- 53- TV interview with Mesut Yilmaz, on kanal D, August 9, 2001.
- ۲۵- شورای وزیران عمدتاً متشکل از چهار عضو از MGK، پنج فرمانده ارشد نظامی، رئیس جمهور و نخست وزیر است. وزیر در حقیقت پیکره اصلی پاسخگویی به سیاستهای امنیت ملی و آمادگی نیروهای نظامی برای دفاع از کشور را تشکیل می دهند.
- 26- Guven Erkaya, Taner Baytok, **soylesi-Bir Asker Bir Diplomat**, p. 269.
- 27- "Ordudan Ince Message" [Sabtle Message from the Military], **Rodikal**, August 23, 2001.
- 28- TV interview with Mesut Yılmaz on NTV, August, 9, 2001.
- 29- "Military to Yılmaz: Do not Exploit National security", **Turkish Daily News**, August 11, 2001.
- 30- See Erkaya, **Bir Asker Bir, Diplomat**, PP. 270. 271.
- 31- **Turkey: 2000 Accession Partnership**, Annex. 7.
- 32- **Turkish Daily News**, November 25, 1999.
- 33- "Brigadier General Simesk: Accession Parthership Pocument Divides Us", **NTVMSNBC News**, internet, Jan. 11, 2001.
- 34- See the Speech by General Nahit Senogul, the Commander of War Academies, "Senogul: Türkiye'yi AB, de Istemeyenler var", **NTVMSNBC News**, internet, January 11, 2001.
- 35- Jon Gorvett, "Turkish Military Fires Warning Shot over EU Membership, **The Middle East**, No. 323, (May 2002), P. 33.
- 36- Murat Yetkin, "Kivrikoylundan Surpriz Oneri: 14 , Maddeyi Avrupa Anaya salarından Alalin", **Radikal**, August 23, 2001.
- 37- The Adress by Abdullah Gul, the Prime Minister of Turkey, to the 2003 Ordinary Session of the Council of Europe Parlimantary Assembly, Strasbourg, January 27, 2003. press minutes.
- 38- Stephan O'shea, "the talk of Turkey", **London Review of Books**, (November 28, 2002), p. 35.
- 39- **Ibid.**, P. 35.